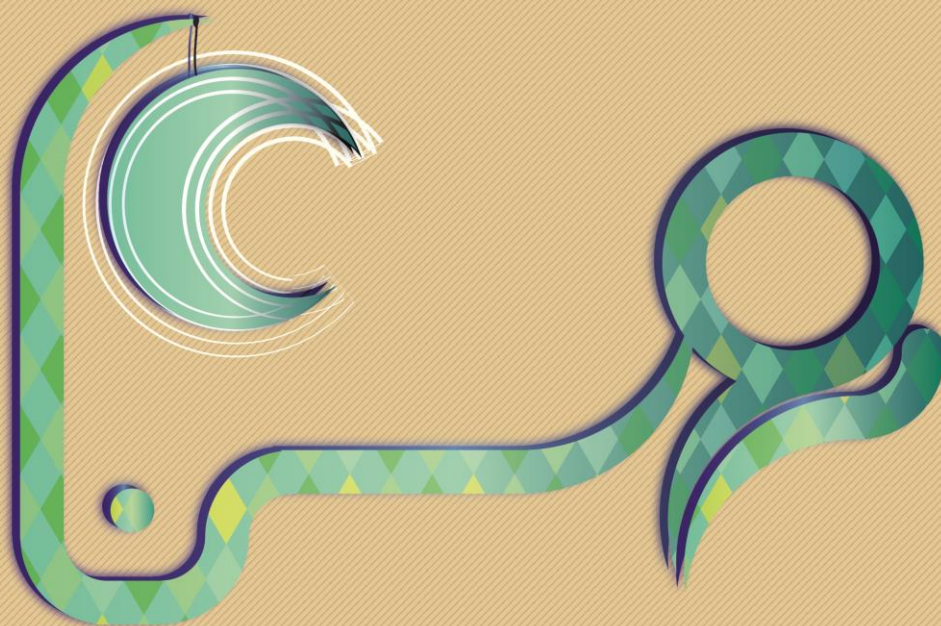


مدرسه علمی
معصومه شیراز

معاونت پژوهش



فصلنامه علمی پژوهشی

- روان شناسی خانواده
- افزایش جمعیت و دغدغه های رهبری در این باره
- هفته وحدت و ضرورت آن
- اقتصاد در خانواده
- نکات خانه داری



عوامل فصلنامه علمی پژوهشی روشنا

مدیرمسئول :
سیده زینب موسوی

گردآورندگان مطالب :
زینب دهقانی
معصومه استقلال
کبری معلم
سیده سمیه موسوی
فریبا سادات موسوی
زینب اکبری
فاطمه آرادسروستانی
فاطمه محبی

طراح و صفحه آرا :
سماء ثمردار مطلق

تیم علمی مخصوص نشریات
معاونت پژوهش





هفته وحدت و ضرورت آن

هفته وحدت، به فاصله میان ۱۲ ربیع الاول که سالگرد ولادت پیامبر اسلام (ص) بنا بر روایات اهل سنت تا ۱۷ ربیع الاول که تاریخ ولادت ایشان بنا بر روایات شیعه است گفته می شود. یکی از مسائل اجتماعی، که قرآن از هر چیز بر آن تاکید دارد، وحدت میان پیروان اسلام است. لزوم حفظ وحدت میان مسلمین از جمله اموری است که همواره از سوی بزرگان و رهبران مذهبی مسلمان مورد توجه قرار گرفته است. آشنایی پیروان مذاهب با عقاید یکدیگر، اگر همراه با هتک به معتقدات سایر مذاهب نباشد، نه تنها موجب تفرقه نمی شود، بلکه مانع از اتمام و دروغ پردازی دشمنان اسلام و مسلمین می شود.



معاونت پژوهش
مدرسه علمیه معصومیه شیراز

هفته وحدت و ضرورت آن

به چشم مبنایی فقهی برای وحدت نگاه می کند و با رجوع به آن ها ضرورت وحدت بین شیعه و سنی را به اثبات می رساند. همچون این روایت نبوی: المسلم اخو المسلم لا یظلمه و لا یسلمه، و من کان فی حاجه اخیه کان الله فی حاجته، و من فرج عن مسلم کربه فرج الله عنه کربه من کربات یوم القیامه، و من ستر مؤمنا ستره الله یوم القیامه. (کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، ج ۲، ص ۱۶۷)

جا دارد به بهانه هفته وحدت، همه امت اسلامی، هر یک به تناسب درک و معرفت خود، ویژگی های پیامبر اعظم (ص) را که در قرآن کریم و سنت قطعی آمده است، سرلوحه زندگی خود قرار دهند و جان های تشنه را سیراب سازند. گفتار، کردار، سیر و سلوک آن حضرت آموزنده راه گشا و هدایت گر است و باید در تمام امور از ایشان پیروی کرد و در سیرت و سیره وی در آییم، و در حکمت، به قرآن و سنت آن حضرت در آویزیم تا زنجیره وحدت امت، گسسته گردد و امت اسلامی، امت سرشار از شایستگی و فضیلت شود. (نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، قم، موسسه آل بیت الاحیاء التراث، اول)

نام گذاری این ایام به عنوان هفته وحدت متضمن حکمت ها و نکاتی ظریف است که توجه و التفات به آن ها برکات مضاعفی را در بهره مندی از میلاد درانه هستی، بنی الرحمه و رحمه للعالمین، نصیب مسلمانان و جهان اسلام خواهد کرد. نگاه هفته وحدت، نگاهی وحدت آفرین در همه مشترکات موجود در جهان اسلام و مسلمانان است، نگاهی که به تعبیر امام علی (ع) موجب می شود تا دست قدرت و توانایی پروردگار در جمعیت و جماعت اسلام تجلی کند. امام علی (ع) فرمودند: «از تفرقه بپرهیزید که موجب آفت است. آن که از جمع مسلمانان به یک سو شود، بهره شیطان است، چنان که گوسفند چون از گله دور ماند، نصیب گرگ بیابان است.» (خطبه ۱۲۷ نهج البلاغه، ترجمه دکتر شهیدی)

رضوانی، علی اصغر، غدیر شناسی، قم، مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام، ص ۱۱.

مطهری، مرتضی، حج، تهران، صدرا، ۱۳۸۰، ص ۱۱.

فروزان، محمد حسین، مقاله وحدت اساس اسلام، نشریه راه مردم، ۱۳۸۴/۲/۳.

شرف الدین موسوی، سید عبدالحسین، الفصول المهمه، ص ۳۱.

با وقوع انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷، حساسیت دشمنان اسلام برای ایجاد اختلاف و پراکندگی در میان مسلمانان بیشتر شد، بنابراین امام خمینی (ره) با درک این موضوع که دو مذهب تشیع و تسنن که از پیروان زیادی در سراسر جهان برخوردار هستند، هر اندازه بتوانند دیدگاه های خود را به یکدیگر نزدیک کنند، تاثیر بسیار مهم و ارزشمندی در اعتلاء و عزت و سربلندی مسلمانان در جهان کنونی خواهند داشت و توطئه های هر روزه آن ها را نقش بر آب خواهند کرد. روزهای ۱۲ تا ۱۷ ربیع الاول را تحت عنوان «هفته وحدت» نام گذاری کردند.

شهید مطهری (ره) قائل است وحدت اسلامی متوقف بر این نیست که فرق و مذاهب از میان برود. در همین راستا سال ۱۳۸۶ از سوی حضرت آیت الله خامنه ای به عنوان سال «اتحاد ملی و انسجام اسلامی» نام گذاری شد.

شهید مطهری در خصوص اهمیت وحدت مسلمانان می نویسد: «چه خوب گفته است علامه فقیه کاشف الغطاء «بنی الاسلام علی کلمتین: کلمه التوحید و توحید الکلمه» یعنی اسلام بر روی دو اصل و دو فکر بنا شده است. یکی اصل پرستش خدای یگانه است و دیگر اصل اتفاق و اتحاد جامعه اسلامی است». از نخست که پیامبر اکرم (ص) مردم را به اسلام دعوت کرد، این هشدار را داد: تنها یک فرقه رستگار است، هر چند شهادتین وسیله تشکل امت اسلامی و دست آویزی برای همبستگی و اتحاد است. «امت من به ۷۳ فرقه تقسیم می شوند، یک فرقه اهل نجاتند و ۷۲ فرقه در آتش اند». این حدیث را سنی و شیعه در منابع حدیثی، تاریخی و ملل و نحل آورده و پیروان هر مذهبی خود را فرقه ناجیه می دانند. در هر صورت این اختلاف اساسی بین شیعه و سنی نمی تواند مانع از همبستگی و اتحاد بین مسلمانان باشد.

مرحوم شرف الدین با گشودن فصلی تحت عنوان [الشهادتان و حرمة المسلم] در کتاب الفصول المهمه، روایت هایی چند را از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و یا امامان (ع) ارائه می نماید که بر حرمت خون، مال و عرض مسلم دلالت دارند. وی به این روایات

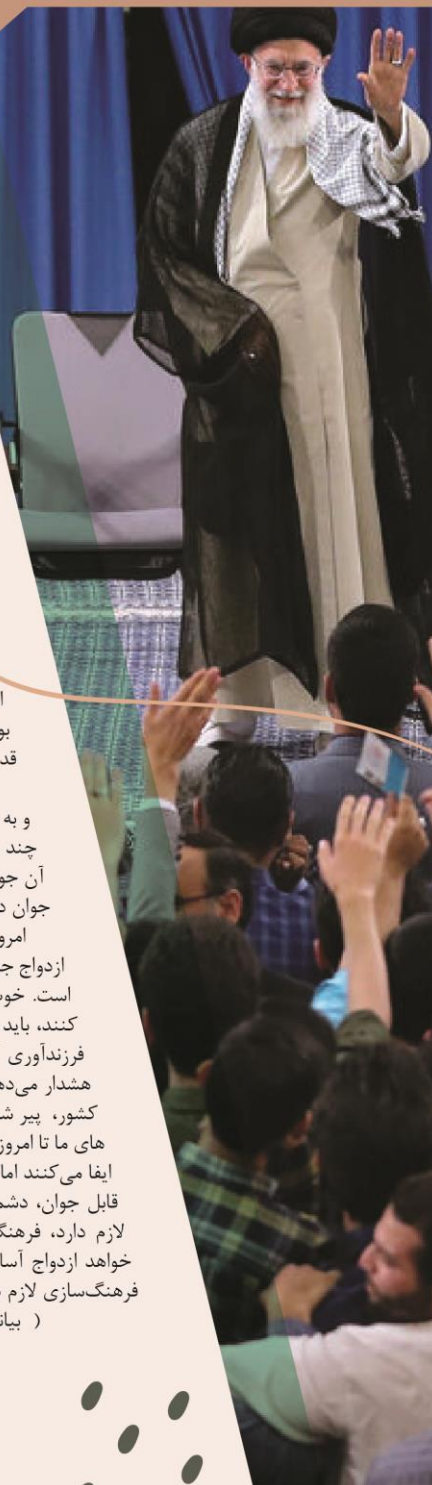
از نگاه مقام معظم رهبری

در مقوله مسائل اجتماعی و غیره، مساله فرزند آوری و مساله نسل بسیار مهم است؛ این موضوعی است که بنده بارها در این چند سال اخیر بر آن تکیه کرده ام، و تاکید کرده ام ولی متأسفانه حالا که انسان نتایج را نگاه میکند، معلوم میشود که خیلی این تأکیده‌ها تأثیر زیادی نداشته، اینها به قانون احتیاج دارد و احتیاج دارد به پیگیری و دنبال گیری جدی دستگاه های اجرایی و بایستی بعد مسئله فرزند آوری را مهم دانست و از پیری جمعیت ترسید، حالا خارجی ها را کار نداریم، دشمن دشمن است، اما بعضی کج سلیقگی ها را متأسفانه آدم در داخل مشاهده میکند، یک جایی خواندم، که میگویند «آقا، با پیری جمعیت اشکالی ندارد» چطور اشکالی ندارد؟ یکی از پرفایده ترین ثروتهای یک کشور، جمعیت جوان آن کشور است که ما بحمدلله از اول انقلاب تا امروز برخوردار بوده ایم و اگر بنا باشد بعدا برخوردار نباشیم یقیناً عقب خواهیم ماند. (بیانات رهبری در دیدار تصویری رهبری با یازدهمین نمایندگان مجلس شورای اسلامی ۱۳۹۹/۰۴/۲۲).

قوی شدن کشور جزو هدفهای ما است، این هم از خطوط اصلی نسخه های بعثت است. و این هم از بعثت گرفته شده است، از قرآن گرفته شده، قرآن میفرماید: «واعدوا لهم ماالستطعتم من قوه» هر چه میتوانید قوت را زیاد کنید، حال این قوت در وهله ای اول در نگاه اول ممکن است قوت نظامی به نظر برسد، ابعاد قوت ابعاد وسیعی است، ابعاد اقتصادی دارد، قوت اقتصادی، قوت علمی، قوت فرهنگی، قوت سیاسی که زمینه ساز قوت سیاسی، استقلال سیاسی است. قوت تبلیغی با گذشت زمان، عرصه های دیگری برای تقویت کشور و ملت بوجود می آید، فرض کنید امروز حفظ جمعیت جوان کشور یکی از ابزارهای قدرت است، اینکه بنده زیاد روی موالید تکیه میکنم بخاطر این است.

کشور ما کشور جوانی است که اگر چنانچه موالید در این کشور به قدر لازم و به قدر کافی تولید نشوند - که الان به قدر کافی نیست - چند صباح دیگر، چند سال دیگر نسل جوان در کشور کمیاب خواهد شد، آن وقت کشوری که در آن جوان کم است پیشرفتش هم کم است یکی از ابزارهای قدرت حفظ اکثریت جوان در جامعه است. (سخنرانی نوروز، خطاب به ملت ایران ۱۳۹۹/۰۱/۳۱)

امروز یکی از مشکلات جامعه ما مسئله جوان ها و مساله اشتغال جوان ها، ازدواج جوان ها، دختران و پسران جوان فراوان اما ازدواج دشوار و گاهی ناممکن است. خوب باید کمک کنند. باید افراد در این زمینه ها کار کنند، باید تلاش کنند، باید فرهنگ سازی بشود. وقتی با تبلیغات چند جانبه و همه جانبه روی فرزندآوری کمتر تبلیغ می شود، میرسیم به وضعیت فعلی که آدم های وارد، هشداری می دهند نسبت به بیست سال دیگر، سی سال دیگر، از لحاظ پیر شدن کشور، پیر شدن جامعه، جامعه پیر نمی تواند به آن قله ها برسد، همه پیشرفت های ما تا امروز به برکت حضور جوان ها بوده. بنده گفته ام که پیرها بلاشک نقش ایفا می کنند اما موتور، جوان هایند. اگر این جامعه محروم بماند از یک جمعیت قابل جوان، دشمن بر این جامعه مسلط خواهد شد. خوب این فرهنگ سازی لازم دارد، فرهنگ سازی دست شما است تشکیل خانواده فرهنگ سازی می خواهد ازدواج آسان فرهنگ سازی می خواهد سختگیری نکردن در امر ازدواج فرهنگ سازی لازم دارد؛ این فرهنگ سازی از شما برمی آید این کار شما است. (بیانات رهبری در دیدار مداحان اهل بیت علیهم السلام ۱۳۹۸/۱۱/۲۶)





روانشناسی خانواده

نخستین نهاد اجتماعی خانواده است. تولد و مرگ اغلب افراد در خانواده، پایه و بنیان حیات و زندگی اجتماعی نیز خانواده است. خانواده علاوه بر وظیفه تولد نسل و تربیت فرزندان وظائف آموزش فرزندان در موارد فرهنگی و برطرف کردن نیازهای اقتصادی آنها را نیز به عهده دارد. به همین دلیل خانواده ها به عنوان نهاد های واسطه ای شناخته می شوند که نقش انتقال هنجارهای جامعه را به فرزند دارند، که این انتقال ها قبل از ورود کودک به جامعه و ارتباط او با سازمان ها و جامعه ها و گروه ها انجام خواهد گرفت. موقعیت فرد بر حسب موقعیت اجتماعی خانواده اش خواهد بود چرا که خانواده یکی از نهادهای جامعه است و با نظام جامعه در ارتباط می باشد به همین دلیل موقعیت خانواده در موقعیت فرد تاثیر فراوانی را دارد.

خانواده؛ به واحدی بیولوژیکی و زیستی خانواده گفته می شود که مبنای شکل گیری و تشکیل آن پیوند زناشویی باشد و بر اساس ازدواج، افرادی با یکدیگر فامیل و خویشاوند می شوند که باهم رابطه های نسبی یا سببی را داشته باشند.

مطالعاتی بر خانواده

مطالعاتی که تا کنون بر خانواده انجام شده حوزه ها و زمینه های مختلفی را شامل می شود. برخی از مهم ترین این زمینه ها تشکیل خانواده، ازدواج، رابطه های بین والدین و فرزندان (کودکان، نوجوانان و جوانان) روابط زناشویی، اختلاف های خانوادگی، جدایی و طلاق، مرگ یکی از اعضای خانواده و مواردی از این قبیل اشاره کرد، که البته هرکدام از این موارد و زمینه ها خود دارای ابعاد و زیر مجموعه های بسیاری می باشد و هرکدام در علم روان شناسی به صورت جدا مورد بررسی قرار می گیرند.

تجربه های هر فرد در دوران کودکی و در محیط خانواده تاثیرگذارترین عامل در برخورد های اجتماعی فرد و اجتماعی شدن او می باشد. محیط خانواده در حالی که گاهی دارای رشک و حسادت، نفرت و خشم، دشمنی و کینه توزی می باشد، مملو از فداکاری و گذشت، مهر و محبت، صمیمیت و گرمی نیز می باشد. انسان ها در دوره کودکی و در طی پروسه بزرگ شدن و رشد کردن تمام این عواطف مختلف را در خانواده و در کنار اعضای خانواده (پدر، مادر، خواهر و برادر) یاد می گیرند و تجربه خواهند کرد. در خانواده اعضای آن آنقدر با یکدیگر مانوس اند و به هم وابستگی دارند که اگر مشکلی برای یکی از اعضای خانواده به وجود آید، سایر اعضای خانواده نیز چه به طور مستقیم و چه به طور غیر مستقیم در آن مسئله درگیر می شوند و آن مشکل در زندگی آنها نیز تاثیر خواهد گذاشت. البته این تاثیرات متقابل بین اعضای خانواده نکته مثبتی است و در اغلب موارد از این وابستگی اعضای خانواده برای درمان برخی از اختلال ها استفاده خواهد شد (خانواده درمانی و گروه درمانی). چرا که در برخی اوقات بنا به تشخیص روان شناس و مشاور به جز خود فرد اعضای خانواده نیز در جلسه مشاوره حضور خواهند داشت و روانپزشک همه اعضای خانواده را در ارتباط باهم ملاقات و بررسی می کند.

اهمیت خانواده از نظر روان شناختی

روانشناسی خانواده

تفاوت در فرهنگ های مختلف

تعاریف و دید نسبت به خانواده از فرهنگی به فرهنگ دیگر دارای تفاوت هایی می باشد و حتی در برخی موارد این تفاوت ها بسیار ریشه ای، مهم و قابل توجه می باشند. به عنوان مثال تعاریف خانواده در فرهنگ اسلامی ایرانی با فرهنگ جوامع غربی دارای تفاوت های فراوانی در زمینه های مختلف می باشد، مثلاً در زمینه های نوع روابط زناشویی، شیوه ازدواج، روش های تربیت فرزندان، ارزش های خانواده و مواردی از این قبیل دارای تفاوت های فراوانی می باشند. در هر فرهنگ و مرز و بومی خانواده دارای نکات ریز فرهنگی و سنتی خاص خود می باشد که در علم روان شناسی و بحث شناخت خانواده بسیار حائز اهمیت می باشند به همین دلیل در پژوهش ها باید به این موارد توجه شود، چرا که عدم توجه به موارد فرهنگی در تحقیق ها باعث می شود که نتایج پژوهش و بررسی اعتبار کافی و قابلیت استناد را نداشته باشند.

کاربرد های روان شناسی خانواده

با استفاده از نتایج تحقیقات در سایر رشته های روان شناسی و استفاده از آنها در نتایج روان شناسی خانواده، روان شناسان به بررسی معضلات و مشکلات موجود در خانواده و پیدا کردن راه حل مناسبی برای آنها می پردازند تا بتوانند با رفع این مسائل و مشکلات برای افزایش بهداشت روانی خانواده ها و جامعه و همچنین افزایش کیفیت روابط خانوادگی راهکارها و روش های مناسب و کارآمدی را به خانواده ها ارائه بدهند.

تفاوت های زمانی

خانواده نهادی پویا و نه ایستا می باشد. دید و مفهومی که نسبت به خانواده در ۵۰ سال پیش وجود داشته با دید و مفهوم امروزی تفاوت های بسیاری دارد و بی شک در خلال سال های آتی نیز دگرگونی ها و تغییرات فراوانی را تجربه خواهد کرد. همین امر موجب می شود که نتایج مطالعات و بررسی های گذشته در مورد خانواده برای خانواده های امروزی کارآیی کافی را نداشته باشد، همانطور که تعمیم و استفاده از نتایج بررسی ها و مطالعات امروز برای خانواده های فردا نیز کاری نادرست و غیر علمی می باشد چرا که این تعمیم ها باعث می شود برداشت ها و نتیجه گیری های ناکامل و اغلب اوقات غلطی به دست بی آید و در این موضوع باعث می شود که برنامه ریزی ها نیز از ابتدا با نقص همراه باشند و این یعنی در موارد لازم که باید درمانی صورت بگیرد نتایج درست و رضایت بخشی حاصل نخواهد شد. به همین دلیل روند این مطالعات باید به گونه ای باشد که با تغییرات ساختار و زیر ساخت های خانواده تغییر کنند تا بتوانند نتایج و اطلاعات درستی را به ما بدهند در غیر این صورت نتایج به دست آمده قابل استناد نخواهند بود.

چند بعدی بودن موضوع روان شناسی خانواده

خانواده نهادی است که دارای ابعاد و وجوه فراوانی می باشد به همین دلیل دارای پیچیدگی های خاص خود می باشد که تمام این پیچیدگی ها در مطالعاتی که در مورد خانواده صورت می گیرد باید مد نظر قرار داده شود. چرا که افراد یک خانواده بر رفتار (Behavior) یکدیگر تاثیر متقابلی خواهند داشت و اگر به این موارد و ارتباطات توجه نشود و یا توجه لازم نشود باعث می شود که نتایج تحقیق از ارزش (Validity) و اعتبار بالایی برخوردار نباشد و گاهی حتی بی ارزش نیز بشود.



روشنای علم

روایت چهار دهه پیشرفت در عرصه علم و دانش

از مولفه‌های مهم در ارزیابی قدرت کشورها، علم و فناوری پیشرفته است. کشور عزیزمان ایران به رغم تمامی موانع و محدودیت‌ها، در این زمینه دارای توانمندی قابل ملاحظه است. امروز با گذشت چهار دهه، به برکت انقلاب جهشی بزرگ در حوزه علم و فناوری و پژوهش در کشور ایجاد شده است و قله‌های افتخاری که تا پیش از این در انحصار چند کشور پیشرفته بود، در تصرف جوانان نخبه و انقلابی ایران است. موفقیت‌ها و پیشرفت‌های به دست آمده از دانشمندان و مراکز علمی ایران طی این چند سال به قدری مهم و ارزشمند است که با هیچ دوره تاریخی قابل قیاس نیست و غربی‌ها را به شدت نگران کرده و تشدید فشارها، کارشکنی‌ها و تحریم‌ها را با بهانه‌هایی از جمله موضوع هسته‌ای و رشد موشکی موجب شده است.

همان گونه که آورده اند: «**العلم سلطان**» علم اقتدار است هر کس این اقتدار را داشته باشد می‌تواند به همه مقاصد خود دست پیدا کند.

پنجاه سال بعد باید ما به جایی برسیم که هر کسی خواست از تازه‌های علمی دنیا بهره‌برد مجبور باشد زبان فارسی یاد بگیرد.

(بیانات رهبری در ارتباط تصویری با نمایندگان تشکل‌های دانشجویی ۲۸/۰۲/۹۹)

چه بودیم؛ چه شدیم

در طول چند سال گذشته جوان‌های کشور و مسئولین توانستند کاری کنند که رشد پیشرفته علمی کشور در پایگاه استنادی معروف دنیا رکورد بزند و سرعت پیشرفت علمی کشور سیزده برابر متوسط دنیا باشد. (بیانات رهبری در دیدار نخبگان علمی ۲۸/۰۷/۹۵)

جمعیت کشور ما تقریباً یک درصد جمعیت جهان است. پس سهم ما از تلاش‌های مشترک بشری باید لااقل یک درصد باشد. در کشور ما تولید علم در سال ۵۷، سال انقلاب، عبارت است از یک دهم درصد؛ این به خاطر بی‌کفایتی حکمرانان بوده؛ دلیل دیگری ندارد. امروز ما به فضل الهی بیش از سهم خودمان در دنیا تولید علم داریم، یعنی تقریباً حدود دو برابر سهم خودمان.

جایگاه زن در جوامع غربی

و رهایی زنان از زیر بار سلطه و ستم و بروز و ظهور استعدادها و توانایی‌های ایشان باشد یا اینکه هدف نهایی خلقت زن تصور شود و نتایج فردی، خانوادگی و اجتماعی متفاوتی را به بار نشاند. پدیده‌های مدرن متعددی همچون طلاق بدون تقصیر مادران مجرد، کودکان ناخواسته، غرایز سرکوب شده، سقط جنین یا نسل کشی نامرئی، شرکای جنسی جایگزین همسر، بیماریهای مقاربتی، فعالان همجنس باز و... از جمله دستاوردهای مطالبه ی بدون حد و مرز آزادی زنان در غرب به شمار می‌رود.

دستاوردهایی که افزایش انواع بیماری‌های روحی و روانی و به ویژه تنهایی و افسردگی را برای بسیاری از جوامع به اصطلاح توسعه یافته همراه با پیشرفتهای روز افزون تکنولوژی و مادی به ارمغان آورده و برخی از نظریه پردازان غربی با مشاهده چنین دستاوردهایی شعار آزادی زن را به چالش کشیدند و جنبش زنان را بدترین دشمن زنان نامیدند سوزان مالودی در این باره می گوید: «**زنان توسط آزادی خویش به بردگی گرفته شده اند آنها حلقه طلایی استقلال را به چنگ آورده اند، اما به قیمت از دست دادن حلقه هایی که با اهمیت هستند**»، همانگونه که بارها گفته و ثابت شده است جنبش زنان بدترین دشمن خود زنان است. (برگرفته از کتاب سوزان فالودی خطای فمینیسم).

وقتی ما به دین اسلام مراجعه می کنیم می بینیم نتیجه آنچه که اسلام در مورد زن می اندیشد، شخصیت است و گرانها بودن، دربرتو همان شخصیت و گرانهایی عفت در جامعه مستقر می شود. روان ها سالم باقی می مانند، کانون های خانوادگی سالم می ماند. گرانها بودن زن به این است که در حدودی که اسلام مشخص کرده بین زن و مرد حریم باشد. یعنی اسلام اجازه نمیدهد جز کانون خانوادگی یعنی صحنه اجتماع، صحنه بهره برداری و التذاذ جنسی مرد از زن باشد. چه به صورت نگاه کردن به بدن و اندامش، چه به صورت لمس کردن بدنش، چه به صورت استنشام عطر زنانه اش و یا شنیدن صدای پایش که اگر به اصطلاح مهیج باشد، اسلام اجازه نمی دهد، ولی اگر بگوییم علم و اختیار و اراده، ایمان، عبادت، هنر و خلاقیت چطور؟ می گوید: بسیار خوب، مثل مرد چیزهایی را شارع حرام کرده که به زن مربوط است، آنچه را که حرام نکرده بر هیچ کدام حرام نکرده است، اسلام برای زن شخصیت میخواهد نه ابتذال.

بدون شک، در عصر ما که بعضی نام آن را عصر برهنگی و آزادی جنسی گزاریده اند و بی بند و باری را جزئی از آزادی می دانند، سخن از حجاب گفتن برای این دسته ناخوشایند و گاه افسانه‌ای و متعلق به زمانهای گذشته است. ولی مفاسد بی حساب و مشکلات و گرفتاری های روز افزونی که از این آزادی های بی قید و شرط به وجود آمده سبب شده که تدریجا گوش شنوایی برای این سخن پیدا شود.

شعار آزادی بی قید و بند از نوع غربی یک هدف و آرمان انسانی نیست بلکه وسیله‌ای برای به تسلیم کشاندن زن در برابر خواسته های به ناحق همچون استفاده، از جاذبه جنسیت زن جهت تبلیغ کالاها و دکور و عاملی برای جلب جهانگردان و مانند اینها قرار بدهند. در چنین جامعه شخصیت زن و ارزش های والای انسانی او به کلی به دست فراموشی سپرده می شود و روز به روز تقاضای آرایش بیشتر و خودنمایی افزون تر دارد. امروز جهان به خاطر آزادی مطلق و بی بند و باری حاکم از زنان به عنوان کالای تجاری کم مصرف بهره وری می کند آمارها واقعا وحشت انگیز است در هر ۶ ثانیه یک تجاوز به عنف در کشور آمریکا صورت می گیرد ببینید چقدر مسئله عفت مهم است و وقتی بی اعتنائی کردند قضیه به کجا می رسد. (برگرفته از کتاب پاسخ به شبهات درباره حجاب)

به تعبیر استاد مطهری با آزادی است که ممکن است انسان به عالیترین کمالات و مقامات برسد و ممکن است به اسفل السافلین سقوط کند. این مسئله تفاوت اصلی اسلام با غرب پیرامون موضوع آزادی است. یعنی در غرب آزادی برای آزادی خواسته می شود و در اسلام آزادی برای سعادت نهایی بشر، در اسلام در کنار آزادی انسان، چیزهای دیگری هم داریم.

یکی از این موارد امر قدسی و فرا انسانی «عقل» است که همه ی ما در آن شریکیم. این عقل بسیاری از « آزادی های نامعقول » را محدود می کند. امر دیگری که آزادی را محدود می کند « وحی » است. بر همین منوال، « آزادی زن » با پاسخ به سوالات « از چه؟ » و « برای چه؟ » می تواند وسیله ای در راستای استقلال



معاونت پژوهش
مدرسه علمیه معصومیه شیراز



نکته

خانه داری

وقتی خونه را جاروبرقی می کشید برای اینکه فضای
که جارو میکنید بوی خوبی بگیرد، کمی وانیل درون
کیسه جاروبرقی بریزید یا یک پنبه را آغشته به عطر
کنید و درون کیسه جارو برقی بگذارید.



مادرانی که نوزاد کوچک دارند وبه آنها قطره آهن
میدند احتمال دارد روی پیش بند و یا لباس نوزادان
قطره آهن بریزد ولک بشه راه حل پاک کردن آن با
آبلیمو هست. به این شکل که چند قطره آبلیمو روی
لک بریزید وسپس بشویید.



ضرورت غنی‌سازی ادبیات انقلابی

تشکل‌های دانشجویی انقلابی و مسلمان باید به ضرورت تفکر دائمی برای تغذیه تئوریک انقلابیون توجه داشته باشند. انقلاب در واقع، امواج پیاپی است و همواره باید خون تازه در رگ انقلاب در جریان باشد. این خون تازه، مفاهیم انقلابی است که باید دائما به روز و در عین حال، اصیل باشد. نباید اجازه دهیم شعارهای انقلاب اسلامی در سطح دانشگاه‌ها تبدیل به فسیل شود. جبهه مقابل ارزش‌های انقلابی دچار یک تحجر تاریخی است و تقریباً همه صفات یک دایناسور رو به انقراض را دارد. اگر نسل جدید، نتواند حرف‌های تو را بفهمد و تو را درک نکند و اگر نسل قدیم از هزار بار شنیدن سخنان تکراری خسته و فرسوده شده باشد به نحوی که شما "ف" بگویید و او تا فرحزاد را پیشگویی کند و برود، آن‌گاه دچار نوعی انجماد شده‌اید. جبهه مقابل دچار تکرار شده است. امروز دوباره شعارها و گفتمان لیبرال مذهبی غرب‌گرای دهه هفتاد، بازسازی و تکرار می‌شود. از این سوی، هسته فکری انقلاب اسلامی باید

ظهور مجدد گفتمان لیبرال مذهبی غرب‌گرا

دهه به دهه بازسازی تئوریک شده و ادبیات انقلابی، غنی‌سازی شود. باید در برابر ارتجاع به دهه هفتاد و نیز انحراف به مسیل یک حرکت غیر انقلابی، حساس بود. خودباور باشیم اما "خودباوری" غیر از "خودمهوری" است. در یک تشکل اسلامی، هدف، کادرسازی و نیروپروری، کشف استعدادها توأم با احترام به انسان، خوش‌بینی به آینده، امید به ارزش‌های انقلابی، اعتماد به جوانان بدون آن‌که به دنبال نوکر برای تشکل و جریان خاص باشیم. باید به دنبال فعال‌سازی ظرفیت‌های انسانی، کشف استعدادها، پرورش و استخراج معادن انسانی باشیم. پیامبر اکرم (ص) فرمودند: «الْأَنَسُ مَعَادِنُ»؛ مردم، معدن‌هایی غنی هستند «كَمَعَادِنِ الذَّهَبِ وَ الْفِضَّةِ»؛ چون معادن طلا و نقره که باید به درستی شناخت و استخراج کرد. پی‌درپی تیم‌های جایگزین، امواج جدید، کشفیات تازه، شناسایی نیروهای جوان‌تر در سطح دانشگاه‌ها، میدان دادن به آن‌ها، رشد دادن آنان، ارائه یک منطق اسلامی و انقلابی به جامعه جوانان اجتماعی و در عین حال، "حق خطا" دادن، "امکان خطا" قائل بودن و... شرط رشد و انقلابی ماندن جامعه و حکومت است.

توجه داشته باشیم که گاهی جریان‌های "پیرشده"، دوباره عودت می‌کنند علی‌رغم آن‌که قادر نیستند سهم تفکر دائمی برای نوسازی خود را بپردازند. بیست سال، بیست و پنج سال قبل، این ذهن ممکن است فعال بوده باشد ولی اینک از بورس، خارج شده و نمی‌داند مسائل جدید چیست و جامعه در چه وضعی است؟ واقعیت‌ها را به درستی نمی‌شناسد. از همان سرمایه‌کهنه می‌خورد و این، از مایه خوردن، نوعی نشخوار ایدئولوژیک و تئوریک است.

یک سال «تفکر» و سی سال «حکومت»؟!!

دانشجوی مسلمان برای گفتمان‌سازی انقلابی باید روزانه بخواند، بیندیشد، بنویسد، بگوید و بتواند همه سخت‌افزار فعالیت‌های دانشگاهی و جنبش دانشجویی را در خدمت نرم‌افزار «انقلاب اسلامی» قرار دهد، نه به عکس. باید بتواند ضمن توجه به محتوا دائما ظرفیت‌سازی‌های جدید کند. در جبهه‌های مقابل، کسانی یک سال، فکر می‌کردند و گمان کردند همین برای بیست سال حکومت کردن، بس و کافی است. یک ساعت فکر کرده‌اند و گمان می‌کنند برای چند سال انقلاب، کافی است!! حرف‌های تکراری، استدلال‌های سطحی، شعارهایی که زمانی زنده تلقی می‌شد اما امروز به کاریکلماتور تبدیل شده است؛ کاریکلماتور کلمات، گاه به جزمیات خشک و کسالت‌آور، تبدیل می‌شود. قدرت تولید فکر را از دست سر داده و متکی به ترجمه است. قدرت پمپاژ ایمان و نوسازی معرفتی و ارائه پاسخ‌های جدید به سؤال‌های جدید یا قدیمی نیست و حتی به پرسش جدید هم پاسخ قدیمی می‌دهند. کلیات، انتزاعیات، مکررات، کلمات خشکیده، دگم‌سازی، ذهن‌های گندیده، حرف‌های خیلی



کهنه، شعارهایی در عرصه اقتصاد، سیاست خارجی، سیاست داخلی، فرهنگ، هنر، حقوق و تربیت که این شعارها در قرن ۱۸ و ۱۹ مثلاً در اروپا تولید شده، با مبانی خاصی و برای حل مشکلات خاصی، مصرف و کهنه شده و یک بار هم در دهه هفتاد و اوائل دهه هشتاد در کشور، تکرار و دوباره مصرف شد و شکست خورد. حال دوباره کسانی که دچار عقب‌افتادگی ذهنی هستند بدون توجه به سرعت انقلاب و پیشرفت‌های عظیم تکنوریک انقلاب اسلامی در این سه، چهار دهه، دوباره به تکرار همان حرف‌ها که متعلق به یک تفکر پیر از نوع لیبرالیسم مذهبی بود، پرداخته‌اند.

فروکاست «آزادی» به «Hyde Park»؟!*

شما می‌دانید فرهنگ رفتار سیاسی در دانشگاه های قبل از انقلاب، منکوب دیکتاتوری مطلق بود. پس از انقلاب هم دوره‌هایی در افراط و تفریط به سر بردیم. گاه به ویژه در اواخر دهه هفتاد، فضای دانشگاه‌ها به سمت رکود و سکوت و سیاست‌گریزی رفت. گاه شاهد افراطی‌گری و هرج و مرج و اهانت و خشونت بودیم، اما هیچ یک از دو حالت «سیاست‌گریزی» و «سیاست‌زدگی» در شأن دانشگاه‌های انقلاب اسلامی نبود و نیست. امروز در شرایطی هستیم که در دهه گذشته، مسئله مهم «کرسی‌های نقد و نظریه‌پردازی علمی» در علوم انسانی، در معارف اسلامی، در علوم پایه و علوم کاربردی مطرح شد و برکاتی داشت. از کرسی‌های آزاداندیشی و نقد و گفت‌وگوهای سالم و آزاد در مسائل اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و مدیریتی کشور در دانشگاه‌ها پیشنهاد و طلب شد که فعال شوند اما نه از باب سوپاپ اطمینان که دولت‌های دنیا معمولاً ترتیب می‌دهند، بلکه حقیقتاً و صادقانه برای تبادل نظرهای منطقی، نقدهای اخلاقی و تضارب اندیشه‌ها، تا هرکس حرفی برای گفتن دارد و نمی‌خواهد دوپهلویی کند و شعار توخالی بدهد و منافع خود را درو کند، عالمانه و صادقانه و مسئولانه حرف بزنند. البته آزادی از نوع انگلیسی هم داریم که از یک طرف با چند میلیون دوربین در کوچه‌پس‌کوچه‌ها و شتود و کنترل علنی تماس‌ها، صفحات اینترنتی و ایمیل‌های شخصی مردم، علی‌رغم شعار خصوصی‌سازی و فردگرایی و آزادی، عملاً چیزی به نام حریم خصوصی و آزادی فردی برای شهروندان خود هم در آمریکا و اروپا باقی نگذاشت. علی‌رغم شعار فردگرایی، آزادی شخصی و حقوق فردی، شدیدترین کنترل‌های تکنولوژیک و سانسورهای پلیسی، به مراتب بدتر و سخت‌گیرانه‌تر از کمونیست‌ها و فاشیست‌ها و البته هوشیارانه‌تر از آن‌ها اعمال می‌کنند و در بسیاری از کشورهای جهان اسلام، همینان در این صد سال، خط کودتا و دیکتاتوری و شکنجه را حاکم کردند و از آن طرف هم «هایدپارکی» در گوشه لندن تعبیه کردند که ظاهراً هرکس هرچه می‌خواهد، آن‌جا بگوید و بکند ولی در حاشیه جامعه باشد و تنها برای چند نفر اطرافیان خود درد دل کند یا مثلاً برهنه شود و از این قبیل کارها! آزادی فریبکارانه و عوام‌فریبانه، تنها نوعی سوپاپ اطمینان است.

انجماد «ایدئولوژی» یا سنت انقلابی؟

انقلاب اسلامی اما حقیقتاً آزادی‌خواه بود. آزادی، از شعارهای اصلی این انقلاب و در متن قانون اساسی است. آزادی بیان و قلم، آزادی نقد در چارچوب منطق و اخلاق و قانون، یک حق شرعی اسلامی مردم است. انقلاب ما، شعار آزادی را از غرب و شرق، به عاریت نگرفت. این جزء شریعت ما بود. جزء حقوق اسلامی ملت‌هاست. ریشه‌های قرآنی و تعریف اسلامی دارد. به لحاظ حقوقی و مدنی البته «قانون» است که «آزادی» را در همه جوامع قانون‌مند و آزاد، علی‌القاعده تعیین می‌کند و باید تعریف کند ولی همه نظام‌هایی که مدعی دموکراسی و قانون بودند، همواره در چارچوب خطوط قرمز حقوقی، فلسفی و مدنی خاصی از «آزادی» سخن گفتند. حال آن که «ایدئولوژی و مکتب» در تعریف انقلاب اسلامی به جای «انسان» نمی‌نشیند، نقش انسان‌ها را تکفل نمی‌کند و از انسان جدا نیست. مکتب انقلاب اسلامی در بینش انسان‌های آگاه و انقلابی است که می‌تواند انقلابی بماند. ایدئولوژی انقلابی، مکتب اسلام انقلابی و انقلاب اسلامی، اگر منجمد و به ویژه دچار انجماد روح، یا گرفتار انحراف بینش شود، نقش ضد اسلامی و ضد انسانی پیدا می‌کند، یک شکل ارتجاعی و متحجر می‌یابد و به تدریج تنها به یک خاطره و نوستالوژی تبدیل می‌شود، به یک «سنت» به مفهوم جامعه‌شناختی غربی و نه «سنت» با تعریف اسلامی مبدل می‌گردد.

ولی اگر ارزش‌های انقلابی و روح زنده این ارزش‌ها را بشناسیم و حفاظت کنیم، هرگز کهنه نمی‌شود. چنانچه تا انسان، انسان است، حسین(ع)، پیر نمی‌شود و «قهرمانانه مردن» برای مبارزه علیه ظلم، برای همیشه یک ارزش زنده است و تازه می‌ماند. چنین نیست که اسلام، ذاتاً انقلابی نبوده ولی کسانی خواستند انقلابی بودن و انقلابی‌گری را با سرم و آمپول به اندام اسلام تزریق کنند. چنین کاری بی‌ثمر، بی‌روح، بی‌فایده و بلکه نشدنی است.

خطر تپک زدگی در «لیبرالیزم مذهبی»

اگر مکتب انقلاب اسلامی بر اساس نهادهای واقعی نظری و عملی، بناء شده که با شرایط و تحولات زمان مغایر نیست، با تغییر و تعویض نهادهای و شرایط جدید، محتوای مکتب انقلاب اسلامی، کپک نمی‌زند. بسیاری از مفاهیم زیبا یا ظاهراً زیبا، توسط سرمایه‌داری غرب، مصرف شد و گاهی حتی برای چنین مصرفی تولید شد و گاه از تولید دیگران و پیشینیان استفاده کردند. امروز می‌بینید جهان کثیف سرمایه‌داری سلطه‌طلب و غارتگر اروپا، خود را وارث انقلاب فرانسه می‌داند و سرمایه‌داران فاسد وال‌استریت، خود را وارث به اصطلاح انقلاب استقلال‌طلبانه آمریکا می‌خوانند. در واقع قابیل، هابیل را می‌کشد و خود را وارث هابیل معرفی می‌کند! همه ارزش‌های اسلامی را زیر پا می‌گذارند و خود را منادی این ارزش‌ها در جهان و «پلیس دموکراسی»، «پلیس حقوق بشر» و «پلیس صلح» معرفی می‌کنند. چنان که مذهب نیز به همین شیوه، استثمار شد. پاپ، ادامه نظام سزار در روم و جان‌شین مسیح(ع)، «پابرهنة الاهی فلسطینی» شد. با اسلام نیز خواستند چنین کنند و می‌کنند و کردند.

اما اینک حزبی که می‌خواهد دوباره لیبرالیزم مذهبی سازشکار سیاسی و وادادگی را در عرصه اقتصادی، فرهنگی و سیاسی بازسازی کند به دنبال یک رونوشت تازه از شعارهای کهنه غرب است، آن هم در شرایطی که آنان، خود دچار هزار گرفتاری‌اند و عملاً صور اسرافیل، ندای زوال تدریجی و شاید دفعی آن‌ها را به صدا درآورده است. اینان اکنون دوباره می‌خواهند آنان را راهنمای روزمره ما قرار دهند، دوباره می‌خواهند سابقه غرب را به الگویی برای انقلاب اسلامی و دستگاه حکومت، تبدیل کنند...

از «تهدید»، «فرصت» بسازید: «شما می‌توانید»
دوباره از تفکر چپ، سانترالیزم و ماتریالیزم را و از «لیبرالیزم»، ولنگاری‌اش را و از «اگزستنسالیزم»، بی‌هویتی‌اش را و از «پوزیتیویزم»، قشری‌گری‌اش را احیاء خواهند کرد. بازار التقاط به مفهوم منفی کلمه (و نه مفهوم مثبت آن یعنی دیالوگ مکاتب با داوری عقلانی و منطقی) بلکه به معنای ترکیب ایدئولوژی‌های مادی و معنوی، ترکیب اسلام و غیر اسلام، دوباره گرم خواهد شد و این ادبیات، بازسازی خواهد شد. بنابراین توصیه ما به دوستان در تشکلهای دانشجویی اسلامی و انقلابی که هنوز و همچنان حرف اول را در دانشگاه‌ها می‌زنند این است که خود را برای یک دوره آگاهی، نقد، هوشیاری، فعالیت نظری و مقاومت اجتماعی آماده کنند که در شرایط جدید در برابر جریانی که در سایه فشارهای سنگین غرب بر کشور، و فشار رسانه‌ای از خارج کشور که به زودی در داخل با امکانات حکومتی دوباره بازسازی و فعال می‌شوند، یک جبهه محکم پولادین، مسلح به اخلاق، منطق، عقلانیت، آزادی‌خواهی و در عین حال، احساسات خونگرمانه انقلابی تشکیل دهند.

دوباره به «مقاومت» بپندیشیم و این مقاومت را جهانی کنیم، چنان‌که جهانی شده است. به دهه‌های گذشته، باز نخواهیم گشت. ما رو به آینده داریم و از هر «تهدید»، یک «فرصت» خواهیم ساخت. این شعار تشکلهای دانشجویی انقلابی و مسلمان است و از ۱۶ آذر ۹۲ تا ۱۶ آذر ۹۳ باید حرکت‌های بزرگی در حوزه‌های نظری و عملی، شروع شود تا انقلاب اسلامی همچنان پیش رود و دچار پس‌رفت نشود.

امروز دوباره شعارها و گفتمان لیبرال مذهبی غرب‌گرای دهه هفتاد، بازسازی و تکرار می‌شود؟!!



بحث اقتصاد با نگاه خانواده (خانواده طلاب)

اقتصادی یکی از سه رکن کمال است، به این معنا که اگر کسی این رکن را نداشته باشد در رسیدن به کمالات انسانی ناکام می ماند.

امام باقر(ع) فرمودند: کمال، تمام کمال، به تفقه در دین و صبر بر مصیبت و برنامه ریزی در معیشت است. نکته دقیق این است که کسی که این رکن را مراعات نکند دنیا و آخرتش بر باد رفته است، و در یک کلام زندگیش عاری از خیر خواهد بود.

اگر بخواهیم اقتصاد خانواده خود را بر مبنای اصول دینی و علمی دوام و قوام بخشیم می بایست به راهکارهای زیر توجه داشته باشیم:

۱. **برنامه ریزی بلند مدت:** توجه به نیازهای آتی خانواده و هم چنین شناخت فرصت ها و تهدیدهای اقتصاد خانواده در این راستا اهمیت دارد. این کار برای تمام اعضای خانواده مفید خواهد بود پس می توان جلسات خانوادگی را روی این موارد متمرکز کرد.

۲. **کسب مشاوره صحیح اقتصادی:** بعضاً خانواده ها در مدیریت اقتصادی خود از توان لازم برخوردار نیستند و یا با مسائل و مشکلاتی مواجه می شوند که به تنهایی از عهده آنان بر نمی آیند و باشناخت مرجع شایسته و مراجعه به آن انجام مشاوره های اقتصادی کمک به اقتصاد خانواده می کنیم.

آموزه های دینی در اقتصاد خانواده و ترسیم درست برنامه ریزی و مدیریت صحیح رفتار اقتصادی آن از دو جهت حائز اهمیت است.

از یک سو می تواند در توسعه و تقویت اقتصاد خانواده نقش مؤثری ایفاء نماید و از دیگر سو می تواند یکی از ارکان اصلی اقتصاد مقاومتی، یعنی مصرف بهینه است را شکل دهد. مدیریت بهینه مصرف خانوار زمانی تحقق می یابد که الگوی مصرف فعلی خانواده به سمت «الگوی مصرف اسلامی» حرکت کند و اصلاح شود. مدیریت اقتصادی در اسلام اصل تعالی انسان و رشد به سمت معنویت است و مسائل مالی و اقتصادی به عنوان ابزار مطرح است، و اگر این مسئله در خانواده لحاظ شود مفهوم آن چنین است: که باید به دیدی ابزاری به اقتصاد خانواده نگاه کرد، یعنی اقتصاد و مسائل مالی را در خانواده باید به گونه ای مدیریت نمود که در خدمت رشد و تعالی انسانی قرار بگیرد. مدیریت

خانواده به عنوان واحد کوچکی از اجتماع در توسعه و رشد اقتصادی جامعه نقشی اساسی ایفا می کند. در نتیجه میزان، چگونگی و شیوه مصرف و پس انداز او در عملکرد و چرخه های اقتصاد کشور تأثیر به سزایی دارد. اقتصاد خانواده که در واقع به معنای چگونگی ساماندهی و مدیریت منابع خانه است، نقش مهمی را در اقتصاد کشورها ایفا می کند. بر این اساس، خانواده سازمانی است که در تولید، توزیع، نیز مصرف کالاها نقش مهمی در سازماندهی و مدیریت «تیم اقتصادی خانواده» را به عهده دارند. فرض ما این است که بهره گیری از



بحث اقتصاد با نگاه خانواده (خانواده طلاب)



مدیریت اقتصادی، اصلاح سبک زندگی است، لذا طلاب با پیاده سازی آن در خانه و جامعه می توانند بهترین نقش را در این زمینه ایفاء کنند.

طلاب باید در مدیریت اقتصادی، از اسراف و تجمل گرایی، مادی نگری و مصرف گرایی پرهیز کرده و به سمت آدابی مانند پیاده سازی روحیه قناعت و ساده زیستی در بین خانواده و جامعه و خرید کالاهای داخلی و تشویق دیگران به این امر، یادگیری مشاغل خانگی که کمک به درآمد خانه است، سوق داده شوند. با توجه به نقش محوری زنان در خانواده و اجتماع و بالاخص در حیطه اقتصادی و با توجه به تأکیدات مکرر مقام معظم رهبری مبنی بر پیاده سازی سبک زندگی دینی در خانواده و جامعه و سفارش به اقتصاد مقاومتی، طلاب باید تلاش و همت خود را در اجرایی شدن منویات مقام معظم رهبری در خانواده و اجتماع به کار گیرند.

صحیح و به جا در اقتصاد خانواده، خصوصیات جمع گرایی، صداقت، دلسوزی، صرفه جویی، مسئولیت پذیری و دیگر خصوصیات مثبت رشد و پرورش می یابد. در این راستا آموزش اقتصاد به فرزندان به دو گونه مستقیم و غیر مستقیم صورت می گیرد. بخش غیر مستقیم و بسیار مهم، روش و نوع عملکرد والدین است که خواه ناخواه به فرزندان منتقل می شود. مادران مدیر، قانع و صرفه جو، فرزندانی قانع و مدیر تربیت می کنند و مادران اسراف کار و تجمل گرا فرزندانی تنوع طلب و مصرف زنده به جامعه تحویل می دهند. بنابراین اولین گام در آموزش مهارت های اقتصادی به فرزندان، تصحیح عملکرد والدین است.

در شیوه دوم، والدین یا مربیان به گونه ای مستقیم عمل می کنند. برای مثال درباره مسائل اقتصادی با فرزندان گفتگو می کنند یا در هنگام خرید تذکرات لازم و آموزش های ضروری را به آن ها می دهند و در خانه در مورد مصرف آب، برق، مواد غذایی، نگهداری وسایل و ... امر و نهی می کنند. در خانواده زنان قادرند برای استفاده بهینه از امکانات موجود و به ویژه مصرف درست انرژی با مدیریت صحیح خود وضعیت مصرف را تعدیل و سامان بخشند و در نتیجه در ایجاد تحولات اساسی و حتی در کارکردهای اقتصادی در کل کشور نقش آفرینی کنند. بهترین شیوه

۳. ارتقاء سطح دانش و آگاهی اقتصادی خانواده: ارائه آموزش های لازم از طریق کتاب و نشریات به فرزندان و افزایش سطح عمومی دانش اقتصادی خانواده می تواند زمینه خوبی برای تصمیم گیری های صحیح اقتصادی باشد.

۴. تعامل مناسب بین اعضای خانواده: روحیه همکاری بین اعضای خانواده و اولویت بندی نیازهای اقتصادی سبب تقویت و سلامت اقتصاد خانواده می گردد.

۵. اهتمام و توجه به آموزه های دینی: ترویج مسائل اقتصاد اسلامی و دینی در خانواده و پرهیز از روحیه اسراف و تبذیر می تواند اقتصاد خانواده را قوام بخشد.

۶. تقیید به پرداخت خمس و زکات و وجوهات شرعی: یکی از مهم ترین آسیب های اقتصاد خانواده غافل شدن از این دو واجب دینی است بی شک در دین مبین اسلام برکاتی در قالب رعایت این دو مهم برای خانوارها وجود دارد.

نقش فرزندان در اقتصاد خانواده: نقش کودکان و فرزندان به عنوان یکی از مصرف کنندگان عمده در خانوارها از یک سو و هم چنین جایگاه آنان در آتیه اقتصاد خانواده ها از سوی دیگر لزوم توجه به آموزش صحیح و هدایت آنان را ایجاب می نماید. با رهبری

فصلنامه روشنا تلنگری
بررویش و بینش

